

Research Article

Investigation of White Marriage from the Point of View of Jurisprudence, Law and Quran

Masoumeh Taj Al-Dini¹, Haditha Salari², Leila Mehrabi Rad³

Abstract

The family forms the basic foundation of society, which itself relies on marriage; Marriage in Islam and our culture is a sacred word. Currently, with the spread of emerging phenomena such as white marriage in Iranian Islamic culture, the desire for permanent marriage has diminished. White marriage is a type of emotional and sexual relationship between a girl and a boy, where they both start living together without reading the formal marriage contract. In other words, an arranged marriage is a marriage in which only the declaration of agreement and consent of the parties is enough and there is no verbal demand and acceptance. Islamic jurists all agree that in the performance of the marriage contract, not only the occurrence of verbal demand and acceptance is necessary and necessary, but also without That marital relationship is not created and there is no effect on it. The purpose of this article is to examine the jurisprudence and law of a boy and a girl being together without verbal composition. The method of collecting information in this research is a library method.

Keywords: White Marriage, Cohabitation, Matrimonial Marriage, Jurisprudence, Law

How to Cite: Taj Al-Dini M, Salari H, Mehrabi Rad L., Investigation of White Marriage from the Point of View of Jurisprudence, Law and Quran, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2024;15(58):211-225.

1. Instructor, faculty member of the Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, Payam Noor University, Tehran, Iran
M.tajaddini@pnu.ac.ir

2. Instructor, faculty member of Law Department, Payam Noor University, Tehran, Iran
hadisesalari@pnu.ac.ir

3. Member of the Faculty of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Payam Noor University, Tehran, Iran
mehrabirad@pnu.ac.ir

بررسی ازدواج سفید از دیدگاه فقه، حقوق و قرآن

معصومه تاج الدینی^۱، حدیثه سالاری^۲، لیلا مهرابی راد^۳

چکیده

خانواده پایه اساسی جامعه را تشکیل داده، که خود متکی بر ازدواج است؛ ازدواج در اسلام و فرهنگ ما واژه ای مقدس است در حال حاضر با رواج پدیده های نوظهوری چون ازدواج سفید در فرهنگ ایرانی اسلامی تمایل به ازدواج دائم کم رنگ شده است زوجین در ازدواج سفید یا هم باشی بدون بیان صیغه ی لفظی و بدون ثبت قانونی آن زندگی خود را آغاز می کنند ازدواج سفید، نوعی رابطه عاطفی و جنسی میان دختر و پسر است که آن دو بدون خواندن صیغه نکاح و ازدواج رسمی، اقدام به تشکیل زندگی مشترک می کنند بعضی افراد ازدواج سفید را نوعی نکاح معاطاتی می دانند؛ به عبارتی نکاح معاطاتی نکاحی است که در آن صرفاً به اعلام توافق و تراضی طرفین بسنده شود و فاقد ایجاب و قبول لفظی باشد فقهای اسلام همه اتفاق نظر دارند که در انجام عقد نکاح نه تنها وقوع ایجاب و قبول لفظی لازم و ضروری است، بلکه بدون آن رابطه زوجیت ایجاد نمی شود و اثری بر آن مترتب نمی گردد. هدف این مقاله بررسی فقهی و حقوقی با هم بودن دختر و پسر بدون انشاء لفظی است. روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش به شیوه ی کتابخانه ای می باشد.

واژگان کلیدی: ازدواج سفید، هم باشی، نکاح معاطاتی، فقه، حقوق

M.tajaddini@pnu.ac.ir
hadisesalari@pnu.ac.ir
mehrabilrad@pnu.ac.ir

۱. مربی، عضو هیأت علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۲. مربی، عضو هیأت علمی گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۳. عضو هیأت علمی گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

مقدمه و بیان مسئله

سوالات اصلی و فرعی

آیا ازدواج به صرف معاشرت ثابت می‌شود؟

وضعیت فرزندان حاصل از ازدواج سفید چیست؟

آیا ازدواج سفید همان نکاح معاطاتی می‌باشد؟

تفاوت ازدواج سفید با عقد موقت چیست؟

آیا ازدواج سفید را میتوان مشروع دانست؟

آیا نکاح معاطاتی حکم زنا را دارد؟

نکاح از ریشه ی نکح ینکحبه معنای وطی و عقد آمده است (الفیروز آبادی، بی تا، جلد ۱، ص ۲۵۴) اینکه نکاح در اصل به معنای وطی و مجازاً تزویج می باشد یا بر عکس (جوهری، ۱۴۱۰ق، جلد ۱، ص ۴۱۳) و یا اینکه نکاح هم در وطی و هم در عقد مجاز است (الفیومی، بی تا، جلد ۲، ص ۶۲۴) اختلاف و جود دارد اما آنچه از بسیاری کتابهای لغت بدست می آید این است که نکاح به معنای تزویج و زناشویی است. (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، جلد ۲، ص ۶۲۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، جلد ۵، ص ۴۷۵) و همچنین در آیه ی ولا تنکحوا ما نکح آباءکم من النساء الا ما قد سلف (نساء: ۲۲) معنای تزویج قوی تر از وطی است (الطریحی، ۱۴۱۶ ق جلد ۲، ص ۴۲۰)

در فقه همانند لغت در مفهوم نکاح اختلاف نظر وجود دارد در واقع نکاح دو معنای شرعی و لغوی ندارد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۷۰)

انسان موجودی شریف، محترم و با کرامت است؛ در حدیث پرجی از امام صادق (ع) چنین آمده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فَوَّضَ إِلَى الْمُؤْمِنِ أُمُورَهُ كُلَّهَا وَ لَمْ يُفَوِّضْ إِلَيْهِ أَنْ يَكُونَ ذَلِيلًا؛ (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵۶) خداوند همه امور مؤمن را به خودش واگذار کرده (که هر گونه‌ای بخواهد رفتار کند) مگر این را که بخواهد خوار باشد. از این رو هیچ انسانی حق ندارد، کرامت و حرمت خود را زیر پا بگذارد و خود را ذلیل و بی‌مقدار گرداند.

نیاز جنسی، نیازی اصیل، حکیمانه، نیرومند و تأثیرگذار در سازمان روانی انسان‌هاست. هر چند هدف اصلی و غایی قرار گرفتن انگیزه جنسی در وجود انسان، بقای نوع است ارضای نیاز جنسی به گونه‌ای که در شأن انسان باشد و نه تنها به شخصیت و عزت فردی و اجتماعی او آسیب نزند، بلکه بالندگی و رشد مادی و معنوی او را فراهم کند، حق هر انسانی است. از نظرگاه دین

مبین اسلام بهترین بنیان، بنیان خانواده و بهترین پیوند، پیوند ازدواج دائم است. مجموعه سترگی از سفارش‌ها و تعلیمی دینی، اعم از گفتار و رفتار پیامبر و امامان اهل بیت (ع)، به موضوع ازدواج و مسائل مربوط به زندگی مشترک و تحکیم بنیان خانواده معطوف است.

با این وجود اسلام دینی واقع‌گراست و در تنظیم رفتارها و روابط پیروانش به واقعیت‌های فردی و اجتماعی هم به خوبی نظر دارد. از این رو از مسأله مهم و غیرقابل اهمال نیاز جنسی و تأمین آن از راه‌های مشروع غافل نشده است. واقعیت‌های زندگی نشان می‌دهد که همواره برای همه افراد شرایط ایجاد زندگی مشترک دائمی فراهم نیست.

امتیاز اسلام از برخی شرایع دیگر به این است که ریاضت و رهبانیت را مردود می‌شمارد، نه اینکه هواپرستی را جایز و مباح می‌داند. از نظر اسلام تمام غرایز (اعم از جنسی و غیره) باید در حدود اقتضاء و احتیاج طبیعت اشباع و ارضاء گردد. اما اسلام اجازه نمی‌دهد که انسان آتش‌غرایز را دامن بزند و آنها را به شکل يك عطش پایان‌ناپذیر روحی درآورد. از این رو اگر چیزی رنگ هواپرستی یا ظلم و بی‌عدالتی به خود بگیرد، کافی است که بدانیم مطابق منظور اسلام نیست. (مطهری،: ۷۹)

جهان غرب به بدترین حالت ممکن یعنی الگوی آزادی جنسی به نیاز جنسی پاسخ می‌دهد اما دین اسلام ازدواج را پیشنهاد کرده است از نوع دائم و موقت که هر دو رابطه ای قانون مند می‌باشد.

حقوقدانان تعاریف متعددی از ازدواج ارائه کرده اند دکتر مصطفی محقق داماد در تعریف ازدواج آورده است: نکاح رابطه ای است حقوقی - عاطفی که بوسیله عقد بین زن و مرد حاصل می‌گردد و به آنها حق می‌دهد که با یکدیگر زندگی کنند و مظهر بارز این رابطه حق تمتع جنسی است. (محقق داماد،: ۲۲)

امام خمینی (ره) معتقدند «نکاح بر دو قسم دائم و منقطع است و هرکدام محتاج عقدي است که دارای ایجاب و قبول لفظي است که بر انشای معنای مقصود و انشای رضایت به نحوی که در نزد اهل محاوره معتبر است، دلالت نمایند. مجرد رضایت قلبی طرفین و معاطاتی که در غالب معاملات جریان دارد و نوشتن آن یا به‌غیراز شخص لال، اشاره‌ای که این معنا را برساند، هیچ‌یک کفایت نمی‌کند.» (خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۶۳)

جای تردید نیست که هدف مقنن قانون ازدواج موقت این نبوده است که وسیله عیاشی و حرم‌سراسازی برای مردم هواپرست و وسیله بدبختی و دربردی برای يك زن و يك عده كودك فراهم سازد.

تشویق و ترغیب فراوانی که از طرف ائمه دین به امر ازدواج موقت شده است، فلسفه خاصی دارد. دنیای امروز رسم حرم‌سرا را منسوخ کرده است. دنیای امروز حرم‌سرداری را کاری ناپسند می‌داند و عامل وجود آن را از میان برده است. اما کدام عامل؟ آیا عامل ناهمواریهای اجتماعی را از میان برده است و در نتیجه همه جوانان رو به ازدواج آورده‌اند و از این راه زمینه حرم‌سراسازی را از میان برده است؟ خیر، کار دیگری کرده است؛ با عامل اول یعنی عفاف و تقوای زن مبارزه کرده و بزرگترین خدمت را از این راه به جنس مرد انجام داده است. تقوا و عفاف زن به همان نسبت که به زن ارزش می‌دهد و او را عزیز و گرانبها می‌کند، برای مرد مانع شمرده می‌شود. دنیای امروز کاری کرده است که مرد عیاش این قرن نیازی به تشکیل حرم‌سرا با آن همه خرج و زحمت ندارد. برای مرد این قرن از برکت تمدن غرب همه جا حرم‌سراست. مرد این قرن برای خود لازم نمی‌داند که به اندازه هارون الرشید و فضل بن یحیی برمکی پول و قدرت داشته باشد تا به اندازه آنها جنس زن را در نوعهای مختلف و رنگهای مختلف مورد بهره‌برداری قرار دهد. برای مرد این قرن، داشتن يك اتومبیل سواری و ماهی دو سه هزار تومان درآمد کافی است تا آنچنان وسیله عیاشی و بهره‌برداری از جنس زن را فراهم کند که هارون الرشید هم در خواب ندیده است. هتلها و رستورانها و کافه‌ها از پیشتر آمادگی خود را به جای حرم‌سرا برای مرد این قرن اعلام کرده‌اند. آن که هم دیروز و هم امروز بازی را باخته است، آن موجود خوش‌باور و ساده‌دلی است که به نام جنس زن معروف است. (مطهری،: ۸۰)

ازدواج موقت از مختصات فقه جعفری است؛ سایر رشته‌های فقهی اسلامی آن را مجاز نمی‌شمارند. مسلمانان اتفاق و اجماع دارند که در صدر اسلام ازدواج موقت مجاز بوده است و رسول اکرم در برخی از سفرها که مسلمانان از همسران خود دور می‌افتادند و در ناراحتی بسر می‌بردند، به آنها اجازه ازدواج موقت می‌داده است. و همچنین مورد اتفاق مسلمانان است که خلیفه دوم در زمان خلافت خود نکاح منقطع را تحریم کرد.

خلیفه دوم در عبارت معروف و مشهور خود چنین گفت: «دو چیز در زمان پیغمبر روا بود، من امروز آنها را ممنوع اعلام می‌کنم و مرتکب آنها را مجازات می‌نمایم: متعه زن‌ها و متعه حج». (مطهری،: ۸۰)

اگر عدالت اجتماعی برقرار و وسیله تشکیل عائله و انتخاب همسر برای همه فراهم باشد، قهراً هر زنی به مرد معینی اختصاص پیدا می‌کند و زمینه عیاشی و هوسرانی و حرم‌سراسازی منتفی می‌گردد.

مگر عده زنان چقدر از مردان زیادتر است که با وجود اینکه همه مردان بالغ از داشتن همسر برخوردار باشند، بازهم برای هر مردی و لاقلاً برای هر مرد متمکن و پولداری امکان تشکیل حرم‌سرا باقی بماند؟. فقه و حقوق (مجموعه آثار)؛ ج ۱۹، ص: ۷۷

عادت تاریخ این است که سرگذشت حرم‌سراهای دربارهای خلفا و سلاطین را نشان دهد، عیاشها و عشرتهای آنها را موبه مو شرح دهد اما از توضیح و تشریح محرومیتها و ناکامیها و حسرتها و آرزو به گور رفتن‌های آنان که در پای قصر آنها جان داده‌اند و شرایط اجتماعی به آنها اجازه انتخاب همسر نمی‌داده است سکوت نماید.

ده‌ها و صدها زنانی که در حرم‌سراها بسر می‌برده‌اند، در واقع حق طبیعی يك عده محروم و بیچاره بوده‌اند که تا آخر عمر مجرد زیسته‌اند.

مسئلاً اگر این دو عامل معدوم گردد؛ یعنی عفاف و تقوا برای زن امر لازم شمرده شود و کامیابی جنسی جز در کادر ازدواج (اعم از دائم یا موقت) ناممکن گردد و از طرف دیگر ناهمواریهای اقتصادی، اجتماعی از میان برود و برای همه افراد بالغ امکان استفاده از طبیعی ترین حق بشری یعنی حق تأهل فراهم گردد، تشکیل حرم‌سرا امری محال و ممتنع خواهد بود.

يك نگاه مختصر به تاریخ نشان می‌دهد که قانون ازدواج موقت کوچکترین تأثیری در تشکیل حرم‌سرا نداشته است. خلفای عباسی و سلاطین عثمانی که بیش از همه به این عنوان شهرت دارند، هیچ کدام پیرو مذهب شیعه نبوده‌اند که از قانون ازدواج موقت استفاده کرده باشند.

سلاطین شیعه مذهب با آنکه می‌توانسته‌اند این قانون را بهانه کار قرار دهند، هرگز به پایه خلفای عباسی و سلاطین عثمانی نرسیده‌اند. این خود می‌رساند که این ماجرا معلول اوضاع خاص اجتماعی دیگر است.

آیا تشریح ازدواج موقت برای تأمین هوسرانی است؟

اما بخش دوم. در هر چیزی اگر بشود تردید کرد، در این جهت نمی‌توان تردید کرد که ادیان آسمانی عموماً بر ضد هوسرانی و هواپرستی قیام کرده‌اند، تا آنجا که در میان پیروان غالب ادیان ترك هوسرانی و هواپرستی به صورت تحمل ریاضتهای شاقه درآمده است.

یکی از اصول واضح و مسلم اسلام مبارزه با هواپرستی است. قرآن کریم هواپرستی را در ردیف بت‌پرستی قرار داده است. در اسلام آدم «ذواق» یعنی کسی که هدفش این است که زنان گوناگون را مورد کام‌جویی و «چشش» قرار دهد، ملعون و مبعوض خداوند معرفی شده است. حقوق (مجموعه آثار)، ج ۱۹، ص: ۷۸

ازدواج سفید، نوعی رابطه عاطفی و جنسی میان دختر و پسر است که آن دو بدون خواندن صیغه نکاح و ازدواج رسمی، اقدام به تشکیل زندگی مشترک می‌کنند این نوع روابط که منشأش

در غرب است، به صورت زندگی مشترک غیر رسمی، رواج دارد و موجب فاجعه اجتماعی و اخلاقی در غرب شده است؛ به طوری که این‌گونه روابط غیر رسمی، در نهایت توانست پایه‌ها و بنیان خانواده در غرب را تخریب کند و باعث ترویج بی‌بندوباری شد. به نحوی که بعدها از آن به عنوان «انقلاب جنسی» نام برده شد. (حق پرست، ص ۱۳۵) ازدواج سفید که علی‌رغم عنوان مثبت و زیبایش باطنی چرکین و درونی تیره دارد عبارت است از: با هم بودن و زیر یک سقف زندگی کردن با خواست شخصی و عهدی میان فردی که لزوماً با عهدنامه یا پیمانی نوشته، یا شاهد گرفتن کسی یا کسانی، یا برگزاری آیین و مراسمی خاص، همراه نیست؛ ازدواج بدون عقد رسمی و عقد عرفی، بدون شاهد و اغلب بدون مراسم و حتی تعیین زمان خاصی برای آغاز آن است و بیشتر به صورت فرایند گزینش زندگی مشترک زیر یک سقف با مسئولیت‌ها و وظایف تقریباً همگن و مشترک و اغلب برابر، بدون برخورداری از قانون ارث و حمایت قانونی، با معاشرت‌های بیشتر دوستانه و غیرخویشاوندی و اغلب بدون فرزند شکل می‌گیرد. طی این ازدواج روابط بی‌بند و بار و بی‌قید دختر و پسر ترویج می‌گردد.

بنا به باور برخی از جامعه‌شناسان، در این ازدواج که در غرب با نام «هم‌باشی» شناخته می‌شود، پیوندی به مدت زمان نامعلوم بین دو فرد برقرار می‌شود که فاقد مشروعیت اجتماعی و حقوقی است. (دکتر امید علی احمدی جامعه شناس)

اما این الگوی ازدواج می‌تواند بر شرع هم تأثیر بگذارد، به تعبیر دیگر، با حمایت شرع، دست‌کم با نگاه برخی فقیهان هم روبه‌رو شود؛ بر این اساس باید گفت در اسلام و البته در همه قوانین جهان تمامی عقودی که بین افراد منعقد می‌شود، دارای ارکانی است که با وجود آن ارکان، عقد شکل می‌گیرد. یکی از ارکان مهم در عقود اسلامی، صیغه لفظی یا همان ایجاب و قبول لفظی است که با بیان آن میان طرفین، عقد انشاء می‌شود، اما گاهی عقد بدون بیان صیغه لفظی انجام می‌شود و ویژگی‌های خاص خود را دارد که فقها از آن به عقد معاطاتی تعبیر می‌کنند.

معامله مستجمع شرائط صحت را بدون صیغه معاطات می‌گویند (مقام الفضل؛ ج ۲، ص:

۲۷۲

معاطات که مجرد تقابض است (تفسیر شاهی؛ ج ۲، ص: ۱۳۴) بهتر است معاطات را به افعالی که سبب انشا در معامله هستند تعریف کنیم (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۱، ص ۸۷) کسانی که قائل به بحث نکاح معاطاتی هستند، چنین می‌گویند که، نکاح معاطاتی این است که انسان با انجام عملی که بدون تحقق زوجیت جایز می‌باشد، قصد ازدواج با زنی را نماید، مثل اینکه زنی را به خانه خود بیاورد. (کتاب نکاح زنجانی ج ۸، ص: ۲۴۵۲)

یا به عبارتی نکاح معاطاتی نکاحی است که در آن که صرفاً به اعلام توافق و تراضی طرفین بسنده شود و فاقد ایجاب و قبول لفظی باشد (طاهری، ۱۲۰: ۱۲۰) فقهای اسلام همه اتفاق نظر دارند که در انجام عقد نکاح نه تنها وقوع ایجاب و قبول لفظی لازم و ضروری است، بلکه بدون آن رابطه زوجیت ایجاد نمی‌شود و اثری بر آن مترتب نمی‌گردد. بر این مطلب اجماع مستقر است و فقهاء بالاتفاق بر بطلان نکاح معاطاتی (نظر داده‌اند و اصولاً یکی از تفاوت‌های نکاح با زنائی که به تراضی انجام شود، همین نکته است «۱»). ولی در سایر معاملات و قراردادها چنین نیست مثلاً در بیع همین که تراضی و توافق طرفین در مبیع و ثمن حاصل باشد بدون نیاز به استعمال ایجاب و قبول لفظی می‌تواند با خرید و فروش یا دادوستد انجام شود که در اصطلاح فقهی چنین بیعی را بیع معاطاتی گویند «۲». (محقق داماد، ص: ۱۶۶)

برای مثال، سیدی بنابی و نظری احمدآباد (۱۳۹۰: ۹۸) به نمونه‌ای از دیدگاه‌های فقهی در مشروعیت ازدواج معاطاتی که به نوعی مشابه ازدواج سفید است، به نظر آیت‌الله دکتر محمد صادقی تهرانی (اصفهانی) اشاره می‌کنند:

البته در سال‌های اخیر بعضی از اشخاص نظریه‌ی صحت نکاح معاطاتی را مطرح کرده‌اند از جمله صادقی تهرانی در توضیح المسائل نوین می‌نویسد: «عقد یا قرارداد ازدواج به هر زبانی که باشد درست است و اگر هم بدون لفظ ویژه‌اش انکحت یا نکاح کردم، باشد، در صورتی که جریانی میان زن و مرد انجام گردد، چه با نوشتن یا گفتن یا اشاره یا هرطور دیگر که به روشنی دلالت بر انجام ازدواج کند، کافی است.» و در ادامه‌ی مطلب می‌افزاید: «اگر کفش روی کفش گذاردن یا شیرینی به یکدیگر تعارف کردن یا هر اشاره و عملی دیگر که در عرف آنان دلیل بر انجام ازدواج است، کافی است و دیگر صیغه‌ای چه عربی و چه به زبان دیگر لازم ندارد. عمده این است که معلوم باشد قضیه‌ی رفیق‌بازی و زنا در کار نیست، بلکه مقصود زناشویی و تشکیل زندگی جدید است، چه دائمش و چه موقتش.» رساله‌ی توضیح المسائل نوین (صادقی تهرانی، ۱۷۳)

اما سید باقر سیدی بنابی و عسگر نظری احمدآباد (۱۳۹۰: ۱۱۰) در نتیجه‌گیری مقاله‌ی خود درباره‌ی ازدواج معاطاتی دوباره چنین می‌نویسند:

«با اینکه دلیل قطعی از قرآن و سنت بر لفظی بودن صیغه‌ی عقد در نکاح وجود ندارد، اما لفظی بودن صیغه‌ی عقد در نکاح، مورد اتفاق مذاهب بزرگ اسلامی و همچنین مورد تأیید عقلا در سایر ملل و جوامع و مورد قبول قانون مدنی می‌باشد و تقریباً فقیه صاحب‌نامی آشکارا آن را رد نکرده است و بر این مطلب ادعای اجماع شده است و به دلیل تعبد شرعی و رعایت احتیاط مورد قبول واقع شده است....» طبق نظر آیت‌الله زنجانی کسانی که قائل به صحت نکاح معاطاتی هستند می‌گویند معنای نکاح معاطاتی این نیست که عقد بدون انشاء صورت گرفته است بلکه

معنایش این است که بواسطه ی یک عمل صحیح شرعی قصد انشاء عقد شود مثل اینکه پدر دختر یا خود آن دست او را که دستکش در دست دارد در دست زوج بگذارد و امثال این موارد اما اگر عمل مذکور عملی محرم باشد مثل مباشرت یا لمس بدن این قطعاً جایز نیست. (کتاب نکاح زنجانی، ج ۱۹، ص ۶۰۲۵)

عده ای دیگر برای صحت نکاح معاطاتی اینگونه استدلال کرده اند که هر دلیلی که در ابواب دیگر برای صحت معاطات باشد در اینجا هم هست که یکی از آن ادله «المؤمنون عند شروطهم» و دیگری «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» است و تعبیراتی از این قبیل که شامل تمام عقود می‌شود اعم از عقود لفظی و فعلی، که همین حرف را در باب نکاح هم می‌زنیم.

جواب از دلیل: درست است که اطلاقات «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» شامل عقد معاطاتی هم می‌شود حتی در نکاح، ولی جلوی این مسأله را سیره مسلمین می‌گیرد، یعنی اگر بیع معاطاتی زیاد است ولی از زمان پیغمبر به این طرف نکاح معاطاتی در بین مسلمین نداریم پس معاطات را هم به دلیل مخالفت با سیره و اجماع کنار می‌گذاریم نه به دلیلی که شیخ انصاری فرمود که اگر نکاح معاطاتی صحیح باشد فرقی با زنا ندارد... (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۸۹)

اشکال: مرحوم امام (ره) در کتاب البیع عبارتی دارند که نشان می‌دهد ایشان نکاح معاطاتی را قبول داشته‌اند، امام این بیان را در فرق بین زنا و نکاح معاطاتی بیان کرده و می‌فرماید:

انَّ الزَّنا لَدَى العَرَفِ غَیْرِ النِّکاحِ وَ الزَّواجِ سِوَا ڪانَ بِالْقَوْلِ أَوْ الفِعْلِ. «۲»

نکاح معاطاتی غیر از زنا است، این همان حرفی است که آقای حکیم گفته و ما هم آن را گفتیم، یعنی نکاح با صیغه (انشاء لفظی) یا بالفعل (معاطاتی) غیر از زناست.

بعد امام می‌فرماید:

فَلو تَقاولَ الزَّواجانَ (گفتگوهای مقدماتی) وَ قَصداً الازدواجَ ثمَّ انشأتهُ المرأَةُ بذهابها الی بیت المرءة بجهیزتها مثلاً وَ قبلَ المرءة ذلكَ بتمکینها فی البیت لذلك، تحققت الزوجیة المعاطاتیة. «۳»
آیا امام (ره) می‌خواهد بگوید زوجیت معاطاتی جایز است یا می‌خواهد بگوید که زوجیت معاطاتی غیر از زناست؟

ظاهراً نظر امام بیان فرق بین زنا و زوجیت معاطاتی است، نه این که بگوید زوجیت معاطاتی جایز است چرا که زوجیت معاطاتی بالاجماع جایز نیست، و این که بعضی خیال می‌کنند اگر زوجیت معاطاتی جایز باشد فرقی با زنا ندارد، اشتباه است چون بین این دو، فرق است و جایز نبودنش به خاطر اجماع بر لزوم لفظ است نه به خاطر شباهتش به زنا. (کتاب النکاح (مکارم)؛

ج ۱، ص: ۹۹)

ن قلت: در عقد نکاح لفظ لازم است و معاطات مورد قبول نیست و نکاح معاطاتی، شبیه زنا است. بحث ما هم در عقد فضولی نکاح است پس در مقام اجازه لفظ لازم است، و باید حدّ اقل بحث نکاح را جدا کرد، و در عقد نکاح فضولی اجازه لفظی را لازم دانست اگر چه در ابواب دیگر، اجازه به غیر لفظ هم کافی باشد.

قلنا: اولاً: نکاح معاطاتی زنا نیست. معاطات این است که بالفعل قصد زوجیت کند یا موقتاً، (برای مدّت معین) و یا دائمه، در حالی که زانی و زانیه قصد زوجیت نمی کنند بلکه در مقابل پولی، قصد عمل نامشروع دارند. پس این که در نکاح لفظ معتبر است به جهت اجماعی است که ادعا شده و به جهت احتیاطی است که در نکاح است نه از این جهت که نکاح معاطاتی زناست.

ثانیاً: اگر در نکاح الفاظ را لازم بدانیم، قدر متیقّن در مقام انشاء اصل نکاح است و در فضولی هم انشاء اصل نکاح به الفاظ صورت گرفته است و اما این که اجازه هم به لفظ باشد، قدر متیقّن این را نمی گیرد. (کتاب النکاح (مکارم)؛ ج ۲، ص: ۷۵)

فقههای اسلام اتفاق نظر دارند که در انجام عقد نکاح ایجاب و قبول لفظی لازم و ضروری بوده و بدون آن رابطه زوجیت بر قرار نمی گردد، و بالاتفاق نکاح معاطاتی را باطل دانسته اند. «۱» و اصولاً یکی از تفاوت‌های نکاح با زنايي که به تراضی طرفین انجام می گیرد، همین نکته است. «۲» ولی در سایر معاملات و قراردادهای چنین نیست، مثلاً: در بیع صرف تراضی طرفین در مبیع و ثمن کافی بوده و نیازی به اجرای صیغه و ایجاب و قبول نیست. البته چنین بیعی را در اصطلاح فقها «بیع معاطاتی» می گویند. (حقوق مدنی (طاهری)؛ ج ۳، ص: ۱۲۰)

فقههای اسلام همه اتفاق نظر دارند که در انجام عقد نکاح نه تنها وقوع ایجاب و قبول لفظی لازم و ضروری است، بلکه بدون آن رابطه زوجیت ایجاد نمی شود و اثری بر آن مترتب نمی گردد. بر این مطلب اجماع مستقر است و فقهاء بالاتفاق بر بطلان نکاح معاطاتی (یعنی نگاهی که صرفاً به اعلام توافق و تراضی طرفین بسنده شود و فاقد ایجاب و قبول لفظی باشد) نظر داده اند و اصولاً یکی از تفاوت‌های نکاح با زنائی که به تراضی انجام شود، همین نکته است «۱». ولی در سایر معاملات و قراردادهای چنین نیست مثلاً در بیع همین که تراضی و توافق طرفین در مبیع و ثمن حاصل باشد بدون نیاز به استعمال ایجاب و قبول لفظی می تواند با خرید و فروش یا دادوستد انجام شود که در اصطلاح فقهی چنین بیعی را بیع معاطاتی گویند. (بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن؛ ص: ۱۶۶)

این ازدواج از نظر قانونی جرم و عنوان رابطه ی نامشروع را دارد از نظر شرعی نیز ارتباط نامشروع بوده و گناه محسوب می شود و در استفتائاتی که از مراجع عظام تقلید شده، حرام شمرده شده و رابطه نامشروع نامیده شده است: مثلاً حضرت آیت الله مکارم شیرازی در پاسخ به سؤال

جمعی از مقلدان در خصوص ازدواج سفید آن را مصداق ازدواج ندانسته و تأکید کردند، چنین ارتباطی، ارتباط نامشروع است.

علل گرایش به ازدواج سفید

یکی از عمده‌ترین علت‌هایی که خانواده‌ها به «ازدواج سفید» تن در می‌دهند، به این خاطر است که از بار مسئولیت خود کم کنند، در «ازدواج سفید» به خاطر این که هیچ کجا سندی مبنی بر زن و شوهری ثبت نشده است، به همین خاطر خیلی راحت این دختر و پسر می‌توانند رابطه خود را پایان بدهند، بدون اینکه اتفاقی افتاده و کسی از کسی انتظار و توقعی داشته باشد، به همین خاطر رواج پیدا کرده است. این طور که به نظر می‌رسد از جمله عواملی که می‌تواند جوان‌ها را به سمت این دست از ازدواج‌ها بکشاند، علاوه بر تهاجم فرهنگی دشمنان اسلام، مجموعه‌ای از عوامل ذیل هستند:

تجردگرایی دختران و پسران امروزی،

کم‌رنگ شدن و ضعف ارزش‌ها و باورهای دینی و مذهبی مردم به خصوص جوانان،
سنت‌های غلط ازدواج،

هزینه‌های کمرشکن اقتصادی ازدواج.

تنوع طلبی برخی از جوانان نیز مانع از تعهد رسمی آنان برای ازدواج می‌شود: چشم‌چرانی، تماشای فیلم‌های تحریک‌کننده جنسی، مشاهده تصاویر شهوت‌انگیز، مشاهده فیلم‌های مبتذل، پوشش و آرایش نامناسب و تحریک‌کننده در جامعه و هم‌چنین مشاهده سریال‌های ماهواره‌ای که روابط دختر و پسری را رواج می‌دهند و قبح و زشتی آن را کاهش و کم‌رنگ می‌کنند، از جمله مهم‌ترین عواملی است که بر تنوع طلبی برخی از افراد جامعه به ویژه جوانان دامن زده است.

قوانین و شرایط سخت و دشوار عقد موقت و عدم نهادینه کردن و فرهنگ‌سازی آن در جامعه. روند رو به رشد طلاق در جامعه:

الگوگرفتن برخی از جوانان از برنامه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌های بیگانه؛ از جمله عوامل رشد این گونه روابط هستند. این دلایل می‌تواند عواملی باشد که موجب شود کسی حاضر به امضای عقدنامه نباشد و زندگی بدون ازدواج یا ازدواج از نوع سفیدش را ترجیح بدهند.

شیخ انصاری در کتابی در باب نکاح، یادآور می‌شود که فقها بر اعتبار اصل صیغه در عقد نکاح اجماع کرده‌اند و در ادامه می‌فرماید: «همانا فروج با اباحه و معاطات حلال نمی‌شود و فرق نکاح

و سلاح (زنا یا تزویج غیرصحیح و تزویج به غیر کتاب و سنت) نیز در این صیغه لفظی است؛ زیرا در زنا نیز غالباً تراضی میان طرفین وجود دارد... (انصاری، مرتضی، کتاب نکاح، ص ۷۷)

آیت الله خوئی در نقد سخن شیخ می نویسد: «بیان این مطلب از شیخ انصاری عجیب به نظر می رسد؛ زیرا تفاوت میان نکاح و سلاح در لفظ نیست؛ زیرا گاهی با لفظ، رابطه دو جنس مخالف سلاح است و گاهی بدون لفظ، رابطه آن دو نکاح است (هم چون نکاح شخص لال که با اشاره است). از نظر ایشان تفاوت میان نکاح و سلاح در یک امر اعتباری است؛ یعنی نکاح امری اعتباری است که در آن مرد، زن را زوجه اعتبار می نماید و در مقابل، زن نیز مرد را زوج اعتبار می کند، اما زنا دخولی است بدون اعتبار زوجیت میان طرفین. هم چنین سخن شیخ تنها در فعل خاص (مواقعه) صدق می کند و بر سایر تماس ها زنا صدق نمی کند (خوئی سید ابوالقاسم، موسوعه الامام خوئی، ج ۳۳، ص ۱۲۹، خوئی مصباح الفقاهه، ج ۲، ص ۱۹۲)

(در همین زمینه: هیچ فقیهی "قصد ازدواج" را برای محرمیت کافی نمی داند) **دیدگاه فقهای معاصر** از نظر اکثر فقهای معاصر نکاح معاطاتی اعتباری ندارد و آن ها نیز ایجاب و قبول لفظی را در عقد نکاح الزامی دانسته اند

آیت الله خامنه‌ای فرموده اند: «مشروع نیست.» (۲۴)

آیت الله مکارم شیرازی نیز در این خصوص گفته اند: «چیزی به نام ازدواج معاطاتی نداریم و چنین ازدواجی باطل است.» (۲۵)

آیت الله بهجت در پاسخ سؤالی در مورد نکاح معاطات اظهار داشته اند: «معاطات در مورد نکاح نیست.» (۲۶) آیت الله شبیری زنجانی در پاسخ به این سؤال که آیا صرف رضایت دختر و پسر برای بودن با یکدیگر به مفهوم جاری شدن محرمیت و زوجیت است و یا خواندن خطبه عقد دایم یا موقت ضروری است؟ و در صورتی که جاری شدن خطبه عقد ضرورت دارد، آیا این ضرورت برای زوجیت دایم است یا برای زوجیت موقت نیز خواندن خطبه ضرورت دارد و رضایت قلبی مکفی نیست؟ می فرمایند: «فارغ از سایر شرایط، در ازدواج دایم و موقت، خواندن صیغه لازم است.»

آیت الله سبحانی نیز در پاسخ به همین سؤال فرمودند: «ازدواج سفید همان ازدواج معاطاتی است و شرعاً کافی نیست و باید اگر باکره است با اذن پدر عقد خوانده شود و مهریه معین شود. متأسفانه موضوعی که شبیه زنا رایگان است، نام ازدواج به خود گرفته است. در عقد دایم و موقت هر دو باید عقد خوانده شود و حد و حدود روشن شود.» (۲۷)

آیت الله گلپایگانی (ره) نیز تصریح کرده اند که معاطات در نکاح و به عبارت دیگر رضایت به ازدواج بدون اجرای عقد لفظی، کافی نیست و کسی که بدون اجرای عقد، عمل زناشویی انجام

داده است، مرتکب زنا شده و فرزندان آن‌ها در حکم اولاد زنا هستند؛ مگر در صورت آگاهی نداشتن از این مسئله. (گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۲، ص ۱۴۱، سوال ۳۷۸)

آیا ازدواج به صرف معاشرت ثابت میشود: این بحث زمانی مطرح می‌شود که نزد محاکم شرعیه بحث دادخواهی ازدواج باشد و چه بسیار استدلال میکنند مدعی به اینکه آن دو نفر معاشرت میکردند و باهم در یک مکان سکونت میکردند، همچنانکه زن و شوهر در یک مکان سکونت دارند، و شاهد هم بر این مطلب می‌آورند، پس آیا زمانیکه حال چنین باشد ازدواج ثابت میشود (یعنی به صرف سکونت ازدواج ثابت میشود) یا خیر؟ ظاهر حال اقتضا میکند حکم به ازدواج کنیم تا اینکه عکس این مطلب ثابت شود. (اصل بر ازدواج است. یعنی همانا معاشرت دلالت میکند به ظاهرش بر وجود ازدواج، و این ظاهر مستلزم قبول کردن قول مدعی است تا زمانیکه علم به کاذب بودن مدعی پیدا نکنیم. جداً بنا بر قول امامیه یقین پیدا کردن به کذب مدعی بسیار سخت است به دلیل اینکه وجود شاهد را بر امر ازدواج شرط نمی‌داند.

ولکن این ظاهر با اصل در تعارض است، اصل عدم حدوث ازدواج است، برای اینکه هر حادثی هرگاه شک شود در وجودش اصل عدمش است، تا زمانیکه دلیل بر آن اقامه شود. (یعنی خلافش ثابت شود)، و بنابراین قول منکر زوجیت موافق اصل است، پس ثابت کردنش از طرف منکررا می‌طلبد، پس اگر از اقامه بینه عاجز باشد منکر قسم می‌خورد، و دعوی رد میشود. و این همان حقی است که قواعد شرعیه آن را می‌طلبد اجتماع فقهای امامیه بر این مطلب می‌باشد که زمانیکه ظاهر با اصل در تعارض باشد، اصل مقدم میشود، و به ظاهر عمل نمیشود مگر دلیلی بر آن اقامه گردد. و هیچ دلیلی بر این مساله نیست. بله زمانیکه علم به وقوع صیغه عقد داشته باشیم، سپس شک شود که آیا بر وجه صحیح یا فاسد عقد منعقد شده، بدون هیچ اشکالی حکم به صحت عقد می‌شود. اما زمانیکه شک در اصل وقوع عقد باشد پس به صرف معاشرت و سکونت، وجود خود عقد ازدواج را به هیچ وجه ممکن نیست که کشف کنیم. و ممکن است سوال کننده ای بپرسد که: حمل کردن فعل مسلمان بر صحت، موجب قبول کردن قول مدعی ازدواج است به سبب ترجیح دادن حلال بر حرام و ترجیح خیر بر شر است. پس ما مامور هستیم که آثار صحت عمل را حمل بر صحت کنیم و فساد را در هر عملی که صحت و فساد در آن جایز است ملغی کنیم. حمل کردن بر صحت در مساله ما ازدواج را ثابت نمیکند و تنها چیزی که ثابت میکند این است که این دو نفر به صرف معاشرت و سکونت کردن با همدیگر مرتکب عمل حرامی نشده‌اند و عدم تحریم اعم است از اینکه آنجا ازدواجی وجود داشته یا اینکه شبیه ای حاصل شده است همچنانکه اگر توهم حلیت کنند و سپس حرمت روشن شود، و می‌آید به صورت مفصل در باب نکاح از روی شبیهه، و بدیهی است که عام خاص را ثابت نمیکند پس هنگامی که می‌گوییم در خانه حیوانی است از این کلمه حیوان ثابت نمیشود که آن حیوان اسب است یا آهو، و همچنین است در بحث ما پس

زمانیکه مرد و زنی به هم نزدیک میشوند و سبب را نمیدانم پس نمی‌گوییم که آن زن همسر و زوجه مرد است. بلکه می‌گوییم دو نفر مرتکب فعل حرامی نشده‌اند. چه بسا گاهی اوقات مقاربه بواسطه ازدواج میباشد و گاهی اوقات بواسطه شبهه. برای توضیح بیشتر مثالی می‌آوریم: اگر شخصی از کنار تو عبور کرد و شنیدی که یک کلمه‌ای از دهانش خارج شد و چیزی گفت و تو ندانستی که کلمه‌اش فحش بود یا سلام؟ پس تو حق نداری که آنرا به فحش تفسیر کنی همچنانکه بر تو واجب نیست جواب سلام. و مساله ما نیز اینچنین است. برای اینکه تو نسبت به مساله یقین پیدا نکردی. اما اگر یقین پیدا کنی که او سلام کرده و اکنون شک کنی که آیا سلام او حقیقی بوده یا از روی مسخره؟ پس واجب است بر تو جواب سلام. به خاطر حمل کردن عمل بر صحت و ترجیح دادن خیر بر شر و اینچنین است مساله ما. پس از حمل معاشرت بر صحت، وجود عقد ثابت نمیشود. ولیکن اگر علم پیدا کنیم به وجود عقد و شک کنیم در صحتش حمل میکنیم آنرا بر صحت بدون توقف. و هر چه باشد، پس معاشرت خودش به تنهایی چیزی نیست و لکن زمانی که ضمیمه شود به سبب دیگری، تقویت کننده و تایید کننده می‌باشد. و امر در اینجا منوط به نظر قاضی و اطمینان پیدا کردنش و تایید کردنش مبنی بر شرط اینکه معاشرت سند مستقلی برای حکم نیست، میباشد. و این قیاس نسبت به ثبوت ازدواج میباشد. اما نسبت به ثبوت اولاد پس حمل کردن بر صحت مستلزم این است که حکم به اینکه آنها (اولاد) در هر صورت شرعی هستند (یعنی اولاد حلال زاده هستند) برای اینکه معاشرت یا بواسطه ازدواج است یا شبهه. و اولاد شبهه مثل اولاد ازدواج هستند در کلیه آثارش. و لذا اگر زنی ادعا کند که مردی همسرش است و از او صاحب فرزند است، پس مرد انکار کند و اعتراف کند به فرزند. ادعایش قبول میشود زیرا ممکن است از شبهه باشد و ... پس این مساله تمام میشود بنا بر عدم شرط شهادت در عقد ازدواج. همچنانکه امامیه قائل هستند. اما بنا بر سایر اقوال فقهای سایر مذاهب هر کس مدعی ازدواج است باید شاهد بیاورد. و زمانیکه از آوردن شاهد متعذر شد، به واسطه فوت شاهد یا غایب بودن شاهد قول گذشته آورده میشود. و ناچار از اشاره به اینکه معاشرت ثابت نمیکند ازدواج را در هنگام نزاع و درگیری. اما در صورت عدم نزاع ما مترتب میکنیم کلیه آثار ازدواج را از ارث و مانند آن همچنانکه سایر مذاهب چنین عمل کنند. (الفقه علی مذاهب الخمسه).

منابع

حر عاملی محمد بن حسن، *وسائل الشیعه*، ج ۱۶، ص ۱۵۶، قم: مؤسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
 فقه و حقوق (مجموعه آثار)، ج ۱۹، ص: ۷۹ مطهری، شهید مرتضی، *فقه و حقوق (مجموعه آثار)*، ۳ جلد، قم - ایران، اول، هق

حق پرست، محمد، *تهاجم فرهنگی و زندگی اسلامی*، چاپ اول،

- یزدی، سید مصطفی محقق داماد، **بررسی فقهی حقوق خانواده - نکاح و انحلال آن**، در یک جلد، قم - ایران، اول، هق
- سیدی بنابی، سید باقر، و عسگر نظری احمد آباد ۱۳۹۰، **بررسی نکاح معاطاتی از نظر فقه و حقوق**، فصلنامه‌ی تخصصی فقه و مبانی حقوق اسلامی، س ۷، ش ۲۳ بهار صص ۸۷-۱۱۳
- شیرازی، ناصر مکارم، **کتاب النکاح (مکارم)**، ۶ جلد، انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۴ هق
- زنجان، سید موسی شبیری، **کتاب نکاح (زنجان)**، ۲۵ جلد، مؤسسه پژوهشی رای پرداز، قم - ایران، اول، ۱۴۱۹ هق
- ق
- طاهری، حبیب‌الله، **حقوق مدنی (طاهری)**، ۵ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۸ هق
- خویی سید ابوالقاسم، **موسوعه الامام خویی**، ج ۳۳، ص ۱۲۹، خوئی مصباح الفقاهه، ج ۲، ص ۱۹۲
- کرمانشاهی، آقا محمد علی بن وحید بهبهانی، **مقام الفضل**، دو جلد، مؤسسه علامه مجدد وحید بهبهانی، قم - ایران، اول، ۱۴۲۱ هق
- جرجانی، سید امیر ابو الفتح حسینی، **تفسیر شاه‌ی**، ۲ جلد، انتشارات نوید، تهران - ایران، اول، ۱۴۰۴ هق
- الفقه علی مذاهب الخمسه
- ابن منظور
- ابن فارس.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: تاج‌الدینی معصومه، سالاری حدیثه، مهربانی راد لیلا، بررسی ازدواج سفید از دیدگاه فقه، حقوق و قرآن، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۵، شماره ۵۸، تابستان ۱۴۰۳، صفحات ۲۲۵-۲۱۱.